



پروفسور اسکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این جهاد جهاد  
و باستان شناسی یکا نهج انسانا

تذرات



ژان لوک گودار از مطرح‌ترین و ماندنی‌ترین نام‌ها در موج نو سینمای فرانسه است اما نه گودار و نه فیلم‌هایش فقط در موج نو سینمایی فرانسه تعریف نمی‌شوند. چنان که "آیزنشتاین" و نگاهش به سینما و فیلم "رزمناو پوتمکین" فقط در سینمای روسیه باقی نماند و حتی بیشتر از آن که حضورش در سینمای روسیه دیده شود در سینمای آمریکا و سینمای جهان احساس می‌شود.

ژان لوک گودار، اگر چه از بنیانگذاران موج نو سینما در فرانسه بود، اما تأثیرش در جهان سینما و سینمای جهانی انکار ناپذیر است. سینما حتی در قالب آن چه «سینما سرگرمی» نامیده می‌شود از تأثیر گودار و موج نوی سینمای فرانسه دور نماند. همچنان که رزمناو پوتمکین با کاربردی ویژه صنعت مونتاژ هنوز و همچنان در سینمای جهان حضور دارد.

نگاهی به سینمای گودار و آن چه که در طول سال‌های فعالیت سینمایی‌اش انجام داد این واقعیت را نشان می‌دهد که او موجودی متکثر است و در واقع چند شخصیت است. در قالب شخصیتی به نام ژان لوک گودار چنان که در زنده‌گی شخصی‌اش - اگر بتوانیم بین زندگی شخصی و دوران فعالیت سینمایی او به شکلی ساده لوحانه خط کشی کنیم - انسانی است که دایم در حال تغییر است و بنابراین به نظر می‌رسد آن چه که مترجم کتاب «باستان شناسی سینما و خاطره یک قرن که گفتگوی "یوسف الحاق پور" با گودار است، نوشته بیش از هر چیز بتواند کاراکتر واقعی این سینما گر فرانسوی را مجسم کند.

مازیار اسلامی مترجم کتاب در مقدمه آن می‌نویسد:

نوشتن درباره گودار، نوشتن درباره گودارهاست. همچنان که نوشتن درباره تاریخ سینما، نوشتن درباره تاریخ‌های سینماست. "کالین مک کیپ" در بیوگرافی فوق‌العاده‌ای که درباره گودار نوشته است این «ها» را به خوبی لحاظ کرده است و مخلص کلام مک کیپ این است که این گودارها هفت دوره‌اند.

در واقع اشاره مترجم به تغییر دیدگاه‌های گودار در دورانی از زنده‌گی اوست، تغییر دیدگاه‌هایی که سینمای او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ژان کسوک گودار فعالیت جلدی سینمایی را با نوشتن آغاز می‌کند و خیلی زود به تیم نویسنده‌گان مجله "کایه دو سینما" که از معتبرترین مجلات سینمایی جهان است، می‌پیوندد و از همان دوران است که با فرانسوا تروفو، کلودوشابرو، آندره بازن و کسان دیگری که بعدها هر کدام نامی مطرح در سینمای فرانسه و جهان یافتند آشنا می‌شود. اما گودار سینمایی نویس، به رغم آن که در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمده، رفتاری همچون هنرمندان بورژوازی دوران خود ندارد و بیشتر یک عصیان‌گر است و شخصیتی هنجار ستیز دارد و بنابراین عجیب نیست که برای به دست آوردن پول و گذران زنده‌گی‌اش حتی در شرایطی که می‌تواند از راه نوشتن کسب درآمد کند. دست به دزدی بزند و شانه بالا بیاندازد که؛ حوصله فکر کردن ندارد و شاید به دلیل همین هنجار ستیزی‌هایش سر از بیمارستان روانی در می‌آورد و مدتی در آنجا بستری می‌ماند و پس از بیرون

آمدن از آسایشگاه است که پرونده فیلم‌سازی او کلید می‌خورد، آن هم با پولی که مادرش به او می‌دهد تا کار مور علاقه‌اش را پی بگیرد. و گودار شروع به ساختن فیلم‌های تجربی می‌کند. فیلم‌هایی که باعث می‌شود نام او نه فقط به عنوان یکی از منتقدان مجله کایه دو سینما که نقدهای جانانه می‌نویسد، بلکه به عنوان فیلم‌سازی که انگار قصد دارد جریان دیگری در سینما به وجود آورده شناخته می‌شود. اتفاقی که با ساخته شدن فیلم "از نفس افتاده" به وقوع می‌پیوندد فیلمی که نقطه آغاز موج نو سینمای فرانسه و مدرنیسم در سینما می‌شود. گودار در نخستین مراحل کار فیلم‌سازی‌اش به شدت چپ‌گراست و سرمایه‌داری را به استهزا می‌گیرد و در حرکت به چپ است که به مائو می‌رسد و "زن چینی" را می‌سازد فیلمی که جدا از وجه ایدئولوژیک آن تغییر افق دید گودار به سینما را هم نشان می‌دهد و در آن زمان "زیگاورتوف" در تفکر سینمایی گودار به جای آیزنشتاین نشسته است، اما این ویراژها همچنان ادامه می‌یابد به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۷ ژان لوک گودار تصمیم به ساختن "شاه لیر" می‌گیرد فیلمی که سناریو آن را نورمن میلر نوشته است، اما گودار هنوز و همچنان شخصیتی عصیانی دارد پس فیلم‌نامه میلر را یکسره دور می‌ریزد و ...

در پایان این دوران است که به ساختن فیلم‌های ویدیویی و تلویزیونی رو می‌آورد، آن هم با این شرط عجیب که فیلم‌هایش هرگز به نمایش در نیاید. اما برای مجموعه دارانی که سودای داشتن آثار ارزشمند را دارند این شرط چندان مهم نیست. آن‌ها هزینه ساخت این فیلم‌ها را تأمین می‌کنند شاید به این امید که پس از مرگ گودار آن‌ها را به صدها برابر قیمت بفروشند. و به این ترتیب ساز و کار نظام سرمایه‌داری به شکلی طنز آمیز به فیلم‌سازی که نخستین ساخته‌هایش همچو سرمایه‌داری بود تحمیل می‌شود. اما ... گودار هم در کنار ساختن این فیلم ویدئوهای سفارشی کار خودش را می‌کند و فیلم "۴/۵ ساعته تاریخ «های» سینما را می‌سازد. زیرا او معتقد است که سینما یک تاریخ خطی ندارد و در عین حال سینما را به عنوان جریانی مجزا، از روند تاریخی قرنی که در آن حرکت کرده نمی‌بیند و با این نگاه تاریخ «های» سینما در هشت فصل و پا به گفته خود گودار در قالب ۸ فیلم که یک فیلم هستند ساخته می‌شود و ...

کتاب "باستان شناسی سینما و خاطره یک قرن" نگاهی است به این ساخته گودار و اندیشه‌های او درباره سینما و تاریخ‌های سینما. این کتاب در واقع حاصل گفتگوی یوسف اسحاق پور و ژان لوک گودار است که با ترجمه مازیار اسلامی روانه بازار کتاب ایران شده است. کتابی که شاید بیشتر از آن چه قبلاً درباره گودار نوشته شده، بتواند این سینما گر فرانسوی و سینمای او را تعریف کند.

